

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در مسح بر خفین بود و عرض کردیم که یکی از مستثنیات تقیه مسح بر خفین می باشد و گفتیم که سنی ها می گویند یا باید پاها شسته شود و یا مسح بر خفین انجام شود البته شخص مسافر تا سه روز و شخص مقیم تا ۲۴ ساعت می تواند این کار را انجام دهد و اما ائمه (ع) کلاً با این جریان مخالفت کرده اند و گفته اند مسح باید بر بشره و خود پا صورت بگیرد نه اینکه شسته شود یا بر خفین صورت بگیرد .

خوب روایات مربوط به مسح بر خفین سه دسته می باشد ، یک دسته از اخبار با شدت با مسح بر خفین مخالفت می کنند و می گویند این کار جایز نیست و این اخبار بیشتر در باب ۱۵ از ابواب وضو ذکر شده اند البته اخبار زیاد هستند ولی ما برای روشن شدن نظر و فرهنگ اهل بیت (ع) در مورد مسح چند تا از آنها را می خوانیم ، اول خبر ۸ از باب ۱۵ از ابواب وضو می باشد که اما صادق (ع) در آن فرموده اند : « و من مسح علی الخفین فقد خالف الله و رسوله و کتابه ، وضوئه لم یتمم ، و صلاته غیر مجزیة ، الحدیث » .

خبر بعدی خبر ۲۶ از این باب ۱۵ می باشد که در آن گفته شد : « و المسح علی الرأس ، و القدمین إلی الکعبین ، لاعلی خفّ و لاعلی خمار ، و لاعلی عمامة » .

خوب خبر بعدی خبر ۳ از باب ۳۸ از ابواب وضو می باشد که خبر این است : « و عن علی بن ابراهیم ، عن أبیه ، عن حمّاد بن عیسی ، عن ابراهیم بن عثمان ، عن سلیم بن قیس الهمدانی قال : خطب امیر المؤمنین (ع) فقال : قد علمت الولاية قبلی أعمالاً خالفوا فیها رسول الله (ص) ، متعمدین لخالفه ، ولو حملت الناس علی ترکها لتفرّق عنی جندی ، أرأیتم ل أمرت بمقام ابراهیم فرددته إلی الموضع الذی کان فیہ - إلی أن قال - و حرّمت المسح

علی الخفین ، وحددت علی النبیز ، و أمرت بإحلیل المتعتین ، و أمرت بالتکبیر علی الجنائز خمس تکبیرات ، و ألزمت الناس الجهر بسم الله الرحمن الرحیم - إلی أن قال - إذا لتفرّقوا عنی ، الحدیث » . خبر سنداً صحیح می باشد و حاکی از درد دل حضرت امیر (ع) در مورد بدعتهایی می باشد که خلفای قبل از ایشان درست کرده اند و در اول کتاب روضه کافی آمده است که حضرت امیر (ع) می فرمایند حدود ۲۵ مورد را خلفای قبلی درست کرده اند که من در زمان خلافت خودم نتوانستم آنها را تغییر دهم چرا که اگر می خواستم این کار را انجام دهم من تنها می ماندم ، یکی از آنها نماز ترویج می باشد که ۱۰۰۰ رکعت نماز مستحبی است که در شهبای ماه رمضان می خوانند که این از بدعتهای عمر می باشد زیرا ما خواندن نمازهای مستحبی را به جماعت جایز نمی دانیم ، خلاصه حضرت امیر (ع) در این روایت چند مورد از بدعتهایی که خلفای قبلی آورده بودند من جمله مسح علی الخفین را ذکر می کنند . خوب در این باب ۳۸ از ابواب وضو اخبار ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۷ و ۱۹ نیز دلالت دارند بر اینکه مسح علی الخفین جایز نمی باشد و اصلاً در باب ۳۷ از ابواب وضو روایاتی داریم که دلالت دارند بر اینکه مسح باید فقط بر بشره انجام بگیرد و عنوان این باب هم این است : « باب وجوب المسح علی البشرة الرأس أو شعره ، و عدم جواز المسح علی حائل کالحناء و الدواء و العمامة و الخمار ، إلّا مع الضرورة » .

دسته دوم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه مسح بر خفین تقیةً جایز است که خبر ۵ از باب ۳۸ از ابواب وضو بر این مطلب دلالت دارد ، خبر این است : « محمد بن الحسن یاسناده عن الحسن بن سعید ، عن فضالة ، عن حمّاد بن عثمان ، عن محمد بن النعمان ، عن أبی الورد قال : قلت لأبی جعفر (ع) : إنّ أبا ظبیان حدّثنی أنّه رأى علیاً (ع) أراق الماء ثمّ مسح علی الخفین ؟ فقال : کذب أبو ظبیان ، أما بلغک قول علی (ع) فیکم : سبق الكتاب الخفین ، فقلت :

این اخبار ناهیه بر خلاف این اجماع می باشند فلذا باید آنها را بر محاملی حمل کنیم که یکی از آن محامل (که به نظر بنده بهترین حمل می باشد) این است که ؛ در این روایات امام (ع) فرموده من تقیه نمی کنم و دیگر فرموده که بر شما هم واجب است که تقیه نکنید بنابراین حساب امام (ع) با مردم دیگر فرق می کند ، خوب این جواب شیخ انصاری بود که البته آقای خوئی هم همین نظر را دارد و اخبار ناهیه و مانعه را تضعیف می کند .

اما توجیه دیگر این است که بعضی ها گفته اند که اینجا اصلاً جای تقیه نمی باشد زیرا خود سنی ها هم در این مسئله اختلاف نظر دارند و با شدت نمی گویند که فقط باید مسح بر خفین کرد بلکه همانطور که از کتاب المغنی ابن غدامه نقل کردیم خود آنها بین افضل بودن مسح بر خفین نسبت به شستن پا تردید دارند و یا در سفر و در حضر نظرات متفاوتی دارند ، آقای حکیم در ص ۳۹۲ از جلد ۲ مستمسک همین توجیه را می کند و مسئله متعة الحج هم که در آن بین ما و سنی ها اختلاف نظر وجود دارد مثل همین مسئله مسح بر خفین می باشد.

خوب و اما نظر بنده همان نظر حضرت امام (ره) و آقای خوئی می باشد....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

فهل فیهما رخصة ؟ فقال : لا ، إلاً من عدوٍ تتقیه أو تلج تخاف علی رجلیک « . أبی الورد توثیق نشده است و آقای خوئی هم در جلد ۴ التقیح اشاره به عدم وثاقت أبی الورد می کند و همانطور که می بینید این خبر دلالت دارد بر اینکه مسح بر خفین تقیه جایز می باشد .

و اما دسته سوم اخباری هستند که دلالت دارند بر اینکه مسح بر خفین جایز نمی باشد ولو تقیه که اخبار ۳ و ۵ از باب ۲۵ از ابواب الأمر والنهی بر این مطلب دلالت دارن که خبر ۳ این خبر است : « وعنه ، عن أبیه ، عن ابن أبی عمیر ، عن هشام بن سالم ، عن أبی عمر الأعجمی عن أبی عبدالله (ع) - فی حدیث - أنه قال: لادین لمن لا تقیه له، والتقیة فی کل شیء إلاً فی النبیز و المسح علی الخفین « .

خبر ۵ این خبر است : « و عن علی ، عن أبیه ، عن حماد ، عن حزیر ، عن زرارة قال : قلت له : فی مسح الخفین تقیه ؟ فقال: ثلاثة لا أتقی فیهنّ أحداً : شرب المسکر ، و مسح الخفین ، و متعة الحج قال زرارة : لم یقل الواجب علیکم أن لا تتقوا فیهنّ أحداً « . بنابراین اخبار به سه دسته تقسیم شدند که هر سه دسته را عرض کردیم منتهی حالا ما باید بین این سه دسته از اخبار جمع کنیم که حضرت امام (ره) و شیخ انصاری و آقای خوئی و آقای حکیم هر کدام به نحوی بین آنها جمع کرده اند که ما اول کلام حضرت امام (ره) را بیان می کنیم ، ایشان در رساله فی التقیه فرموده اند ؛ اخباری که می گویند حتی در زمان تقیه هم مسح بر خفین جایز نیست معرض عنه می باشند یعنی مشهور فقهای ما از آنها اعراض کرده اند و وقتی خبری ولو اینکه سنداً صحیح باشد مورد اعراض فقها قرار بگیرد از حجیت ساقط می شود بنابراین مسح بر خفین ذاتاً جایز نیست ولی در مقام تقیه اشکالی ندارد زیرا شامل اخبار تقیه می شود و از طرفی هم اخبار مانعه و ناهیه ضرری نمی رسانند چون مورد اعراض فقهای ما می باشند .

اما شیخ انصاری در ص ۳۴ از رساله فی التقیه می فرمایند که ؛ ما اجماع داریم که مسح بر خفین در مقام تقیه جایز می باشد و